# فهرست مطالب:

خطبه اوّل 2

مبعث پیامبر اکرم (ص) 2

ویژگی‌های ممتاز پیامبر اکرم (ص) 3

ناله سردادن ابلیس از بعثت پیامبر اسلام (ص) 4

دعوت پیامبر اکرم (ص) به اسلام 4

توطئه‌ها و نقشه چینی‌های ابولهب و قریشیان برای رسول خدا (ص) 5

احترام قائل شدن جبرئیل برای رسول خدا (ص) 6

خطبه دوّم 7

توجه به ماه شعبان و مناجات شعبانیه 7

هفته بسیج 8

شهادت آیت اللّه مدرّس 8

تلاش‌های آیت اللّه حائری و شهید مدرس در دوران رضاخان 8

تلاش‌های فراوان برای برپایی نظام و انقلاب اسلامی‌مان 9

اصل توجه به‌نظام و انقلاب اسلامی‌مان 9

دعا 11

# 

# خطبه اوّل

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِین آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِه وَلَاتَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُم مُسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه شما خواهران و برادران گرامی و خودم را در این روز عزیز و عید بزرگ به تقوا، پارسایی و تأسی به سنت پیامبر اسلام (ص) و ائمه طاهرین (ع) و هم‌چنین شکر خداوند و ذکر او در همه احوال سفارش و دعوت می‌کنم.

امیدواریم که خداوند به برکت این روز عزیز همه ما را مشمول لطف و عنایت و توفیقات خودش قرار دهد.

روز شریف و عید شریف مبعث گرامی رسول مکرم اسلام حضرت محمد (ص) می‌باشد، ضمن تبریک این روز، مطالبی پیرامون همین مناسبت عرض می‌کنم.

# مبعث پیامبر اکرم (ص)

همان‌طور که مستحضرید و بارها گفته‌شده است، عید مبعث و روز نزول وحی بر پیامبر اکرم (ص) بنا بر اعتقاد شیعه ۲۷ ماه مبارک رجب است. برادران اهل سنت، عید مبعث را در ماه مبارک رمضان می‌دانند، اما از دیدگاه شیعه و طبق روایاتی که به‌صورت متعدد در کتب روایی شیعه واردشده است، مبعث رسول گرامی اسلام (ص) و روز فرود وحی بر وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) را 27 مبعث می‌دانیم و معتقدیم که بنا بر آنچه اهل‌بیت (ع) که از همه آگاه‌تر بوده‌اند، عید مبعث در 27 ماه رجب واقع‌شده است، البته در ماه مبارک رمضان، قرآن یک نزول دفعی و کامل بر قلب نورانی و پاک و مطهر پیامبر اکرم (ص) داشته است، اما آیاتی که توسط جبرئیل بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد در روز 27 مبعث بود و از همین جهت هم هست که شب 27 و روز 27 ماه رجب در روایات ما قداست و ارزش خاص و ویژه‌ای دارد.

اعمال و مستحبات خاصی برای شب مبارک مبعث نقل‌شده است و روز مبعث نیز اعمال و مستحبات دارد و علاوه بر آن قداست عمومی ماه مبارک رجب این شب و روز را که امسال مصادف با جمعه است از برجستگی و امتیاز خاصی برخوردار شده است. نکته جالب در اعمال شب و روز ۲۷ رجب این است که در این مناسبت علاوه بر آن دعای خاصی که در مفاتیح‌الجنان نقل‌شده است، زیارت حضرت علی (ع) همم مستحب می‌باشد و تأکید بر انجام آن شده است. یعنی دقیقاً در مبعث پیامبر اسلام (ص)، انسان مؤمن پیوندی نیز بایستی با ولایت و عترت رسول خدا که در امیرالمؤمنین (ع) مجسم می‌باشد برقرار کند. درهرحال این روز، روز بسیار گرامی و ارزشمندی است و از نقاط عطف بزرگ تاریخ بشریت می‌باشد. مبعث، یادآور روزی که پس از مدت‌ها که وحی از بشر منقطع شده بود و کتابی برای بشر نازل نشده بود و پیامبری مبعوث نشده بود، پس از یک دوره فطرت در سرزمین حجاز و سرزمینی که یادآور انبیاء فراوان بود و به دست ابراهیم خلیل بنیان‌گذاری شده بود ولی به مرکز بت‌ها و بت‌پرستی‌ها شده بود و بنا بر تعابیر مکرّر امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه جایگاه شرک، کفر و الحاد گردیده بود و مردمان آنجا به‌صورت قبائل در حال جنگ و نزاع در طول سال‌ها و چندین دهه در یک دوره جاهلیت بودند، در چنین اوضاع و احوالی، دوره تاریک جاهلیت و شب یلدای ظلم، ستم، کینه، عداوت و جاهلیت آن به پایان رسید و با فرود فرشته وحی و نزول آیات نجات‌بخش قرآن، سپیده‌دم سعادت بشر و نجات و رستگاری بشر فرارسید.

مبعث درواقع سپیده‌دم و طلوع فجر سعادت بشریت و ارتباط انسان‌های در تاریکی، ظلم و ستم با خداوند و با وحی بود؛ این حادثه بزرگی در زندگی بشریت است.

# ویژگی‌های ممتاز پیامبر اکرم (ص)

انسانی در این روزبه بعثت رسید که یکپارچه نور، صفا، صداقت و صمیمیت بود. صفحات زندگی او همه از خیرات، برکات، صداقت‌ها، راستی‌ها و درستی‌ها، موج می‌زد و به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) در خطبه 103 که می‌فرماید: **«خَيْرَ الْبَرِيَّةِ طِفْلًا وَ أَنْجَبَهَا كَهْلا»**، انسانی که در طفولیت بهترین انسان‌ها بود و در میان‌سالی و بزرگ‌سالی هم نجیب‌ترین و شریف‌ترین انسان شناخته‌شده روی زمین بود. دست تقدیر الهی یک چنین کودک پاک، باصفا و یتیم عبدالله را چنان پرورش داد که تمام آمادگی‌ها برای دریافت وحی و اتصال به مبدأ عالم در او پدید آید.

در روایات متعدد نقل‌شده است که این یتیم عبدالله و این کودک از همان ابتدا در میان ‌هم‌سالان خود در نظافت، تمیزی، حسن خلق، معاشرت جمیل، ویژگی‌های اخلاقی و محسنات روحی ممتاز بود. نقل‌های متعددی می‌گوید این کودک مانند دیگران نبود، و دل نورانی، قلب پاک، ذهن صاف و اخلاق شایسته در وجود او در همان کودکی موج می‌زد. و هرکسی که یتیم عبدالله را در کوچه‌های مکه و با دیگران می‌دید در او این امتیازها را مشاهده می‌کرد. تا آنجا که عبدالمطلب، جد بزرگوار رسول مکرم اسلام (ص) که شخصیت ممتاز، برجسته، مورداحترام و اکرام اهل حجاز و مردم مکه نقل است، در عصرها و در پاره‌ای از روز که برای ایشان به‌عنوان بزرگ مکه و انسان شایسته، فرشی در سایه خانه خدا و کعبه می‌انداختند و خویشان و مردم دور او جمع می‌شدند و برای استفاضه از ایشان جمع می‌شدند، در میان آن جمع، تنها کسی که آزاد بود و جای عبدالمطلب می‌نشست و همه برای او احترام قائل بودند همین یتیم عبدالله و این نواده پاک عبدالمطلب بود. گاهی کسانی قصد ممانعت داشتند از این‌که این کودک کم سن و سال در جای عبدالمطلب بنشیند ولی عبدالمطلب که از کتب قبلی و انبیاء سابق مطلع بود و علائم و آثار و نشانه‌های بارز رسالت را در جبین و سیمای نورانی نواده گرامی خودش می‌دید، اجازه این کار را نمی‌دادند و می‌فرمودند: کاری به او نداشته باشید، او آزاد است هر جا خواست بنشیند، او همه آداب‌ورسوم را به‌درستی می‌داند، او مانند دیگران نیست و آثار رسالت در او نمایان است.

پیامبر اکرم (ص)، همواره موردحمایت و پشتیبانی جد بزرگوارشان بودند و هنگام رحلت ایشان نیز تنها وصیتش به فرزندانش و به‌خصوص، ابوطالب عموی بزرگوار رسول خدا (ص) و سرپرست این کودک ارجمند و والا قدر، این بود که این یتیم عبدالله را حمایت و پشتیبانی کنید.

روایات بیان می‌دارد که پیامبر اکرم (ص) در میان کودکان که بودند، او مانند کودکان دیگر، سرگرم بازی‌های لهو و لعب نمی‌شد، خنده او روی حساب بود، برخوردش روی حساب بود، نظافت و تمیزی او ممتاز بود، در هیچ جهتی از جهات اخلاقی و روحی هیچ نقطه‌ضعفی در او نبود، بهترین انسان‌ها در کودکی بود، پس‌ازآن که به نوجوانی و جوانی رسید و سنی بر او گذشت هرچه قدر می‌گذشت آثار نجابت، بزرگواری و عظمت در این شخصیت ممتاز، در دورانی نوجوانی، جوانی و بزرگ‌سالی مشهود می‌گشت و بیشتر نمایان می‌شد تا آنجا که رسول مکرم اسلام حضرت محمد (ص) وقتی‌که به سن 30 سالگی رسیده بود از چهره‌های انگشت‌شمار و مورداشاره همه و مورداحترام همه اهل مکه بود. هیچ‌کس نبود که در برابر عظمت، صفا، صداقت، طهارت، پاکی و نجابت این شخصیت سر تعظیم و تسلیم فرود نیاورد تا آنجا که در دعاوی بزرگ او قاضی و داور می‌گردید.

در بسیاری از وقایع و حوادث این یتیم عبدالله و نواده عبدالمطلب چهره نمایان و ممتازی در مکه کسب کرده بود، تا آنجا که پس از بعثت او علیرغم همه کینه‌ها، عداوت‌ها که از خویشان، نزدیکان و دیگران در مورد او بر خواست، هیچ‌گاه کسی نتوانست یک نقطه‌ضعف اخلاقی و روحی در پیامبر اکرم (ص) سراغ داشته باشد و انگشت‌بر یک پرونده تاریکی در زندگی رسول مکرم اسلام (ص) بگذارد. پیامبر اکرم (ص) در کودکی و نوجوانی همیشه به‌تنهایی عشق می‌ورزید و راز و نیاز و اسراری میان او و مبدأ عالم و خدای او بود. روز مبعث شریف بود که مبدأ تحول تاریخ بشریت گردید و انسان‌ها را از جهل، نادانی و ستم‌ها رهایی بخشید و خداوند، فصل جدیدی در زندگی بشر که آثار آن تا پایان تاریخ باقی است باوجود پیامبر اکرم (ص)، گشود. مبعث رسول خدا (ص)، مبعثی بود که بر همه انبیاء دیگر فرق داشت و مورد بشارت و مژده همه انبیاء قبلی بود.

# ناله سردادن ابلیس از بعثت پیامبر اسلام (ص)

ازنظر معنوی آن‌قدر مبعث پیامبر اسلام (ص) عظمت داشت و دارای ارزش معنوی بود که در روایات متعدد این تعبیر آمده است که: «**إِنَّ إِبْلِیسَ رَنَ رَنِیناً لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ نَبِیهُ (س) عَلَی حِینِ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَ حِینَ أُنْزِلَتْ أُمُّ الْکتَاب»[[3]](#footnote-3)**. هنگام مبعث رسول خدا و فرود آمدن وحی و برانگیخته شدن او به نجات و سعادت بشریت و خارج کردنشان از ضلالت و گمراهی، شیطان ناله‌ای کرد که هرگز این ناله از شیطان شنیده نشده بود و ناله دیگر او زمان نازل شدن سوره حمد بود.

همان‌طور که شیطان‌های انس و ظالمان و ستمکاران از بعثت نورانی رسول خدا (ص)، ناله و آه سر دادند، شیطان که مبدأ همه ضلالت‌هاست، احساس خسارت کرد. در خطبه‌ای امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: من نزدیک رسول خدا (ص) بودم و ناله شیطان را شنیدم. شنیدم که شیطان از این خللی که بر ارکان ضلالت او وارد شد و این مشعل هدایتی که برافروخته شد، چگونه ناله‌ای سر داد و من آن را شنیدم.

# دعوت پیامبر اکرم (ص) به اسلام

چند گام و مرحله در گسترش رسالت و پیام رسول خدا (ص) انجام گرفت و به‌تدریج محقق شد. اولین مرحله وحی و رسالت حضرت، دعوت او محدود به افراد اندک و معدودی بود، تا مدت‌های زیادی تنها ایمان آورندگان خود ایشان و حضرت خدیجه (س) و علی بن ابی‌طالب (ع) بودند و بعدها جعفر و اندک افراد دیگری بودند. پس از مدتی وحی آمد که: «**وَأَنْذِرْ عَشِیرَتَک الْأَقْرَبِینَ[[4]](#footnote-4)**». ای رسول خدا (ص)، ای فرستاده وحی، خویشانت را انذار کن. پیامت را به نزدیکانت ابلاغ کن. آنگاه از نسل عبدالمطلب جد رسول خدا (ص)، حدود ۴۰ نفر از مردان بودند که از فرزندان و نوادگان عبدالمطلب بودند که رسالت بر آنان ابلاغ گردید. این اولین تبلیغ و اعلام رسمی رسالت رسول خدا (ص) بود که در این جمع حدود ۴۰ نفر مطرح شد. پیامبر اسلام (ص)، در آن دعوت، میهمانی را ترتیب داد و با لطف و مهربانی تمام و در آن حضرت، پیام خودش را برای اولین بار به‌طور رسمی در سرزمین مکه، در میان خویشانش و نواده‌های عبدالمطلب اعلام کرد. از آن جلسه، پایه ولایت و امامت علی بن ابی‌طالب که در نوجوانی بودند، ریخته شد. بعدازآن که بارها، همگان را دعوت کرد، اولین و تنها کسی که پیام رسول خدا (ص) را پاسخ داد، علی بن ابی‌طالب بود. این مسئله در نقل‌های متعدد توسط مرحوم علامه مجلسی نقل‌شده است. در همان جمع ۴۰ نفره این نوجوان درخشید. پایه ولایت و آینده رسالت رسول خدا (ص)، همان‌جا ریخته شد. در همان جلسه خانوادگی، حدود ۴۰ نفر که برای اولین رسول خدا (ص)، رسالتش را اعلام کرد و پایه ولایت ریخته شد، و شاید به همین دلیل است که شب مبعث در کنار آن دعایی که برای بعثت خوانده می‌شود، زیارت علی بن ابی‌طالب، اولین مؤمن به او و وصی و خلیفه او نیز مستحب گردیده است. در این جلسه، ابولهب عموی پیامبر اسلام (ص)، اولین مواضع سخت و تند را در برابر فرزند برادرش گرفت، به‌طوری‌که در این جلسه، ابولهب به رسول خدا (ص) اظهار کرد که او ساحر است. نوجوانی همانند علی بن ابی‌طالب، اولین مؤمن به رسول خدا (ص) می‌شود و دیگری مثل ابولهب عموی پیامبر اکرم (ص)، اولین کسی در این جلسه خانوادگی می‌شود که فریاد مخالفت با رسول خدا (ص) را سر می‌دهد.

# توطئه‌ها و نقشه چینی‌های ابولهب و قریشیان برای رسول خدا (ص)

ابولهب در کنار ابوجهل و عده‌ای دیگر از قریشیان و نزدیکان پیامبر و دیگران که دورتر از او بودند، تا زمانی که رسول خدا (ص) در مکه حضور داشتند، توهین‌هایی را به ایشان روا داشتند و جسارت‌هایی به ایشان کردند، ضربه‌های به حضرت زدند، چندین بار تصمیم بر قتل و کشتن رسول خدا (ص) داشتند که اگر ابوطالب، پدر امیرالمؤمنین (ع) نبود، پیامبر اسلام (ص) را به شهادت می‌رساندند. اما دست قدرت خداوند حامی و پشتیبان پیامبر اسلام (ص) بود. او را از خطرها رها می‌کرد و از مهلکه‌های فراوان جان دربرد. در سختی‌های گوناگون مقاومت و تحمل کرد. حضرت بااخلاق، صبر و بردباری پسندیده در برابر توهین، شایعه، افترا، دروغ و انواع ضربه‌های که به حضرت می‌زدند و حمله‌های که به ایشان می‌شد، مقاومت می‌کردند. بارها حضرت را تطمیع کردند که بهترین و بیشترین ثروت‌ها را به تو می‌دهیم ولی از دعوتت دست‌بردار. هم‌چنین بهترین زن‌ها را در اختیار تو می‌گذاریم ولی از رسالتت دست‌بردار. هر چه بخواهی برای تو آماده می‌کنیم. قدرت جزیرة‌العرب را به تو می‌سپاریم اما از وحدانیت خداوند و تبلیغ رسالتت دست‌بردار، ولی رسول خدا (ص) به همه این‌ها پشت کردند و چشم را از همه تمتعات مادی برداشت و دامن را از همه آن‌ها پاک داشت و آلوده نکرد و بر سر وحدانیت خداوند و رسالت خودش و وحی الهی و نجات معنوی بشر ایستاد و بارها مخاطب شد که صبر کند. رسول خدا (ص) را مسخره می‌کردند که دعوت عمومی برای بشریت دارد، او را استهزاء می‌کردند که تو در خانه خودت در محاصره هستی، در شهر خودت مورد آزار و اذیت هستی، همه بر ضد تو هستند ولی او مژده فصل‌های بزرگ می‌داد و بشارت جهان بشریت و تسخیر قلب‌های انسان‌ها در عالم می‌داد ولی دشمنان مسخره می‌کردند و حضرت مقاومت می‌کردند.

تطمیع‌ها، تهدیدها و مراتب گوناگون سختی را گذراند و رسالت خودش را انجام داد و روزی هم فرارسید که پیام آمد تبلیغت را علنی کن، پیامت را رسمی کن.

حضرت دعوتش را روزبه‌روز توسعه می‌داد. اولین بار که بر او وحی شد به‌صورت خاص بود اما وحی به‌تدریج روشن‌تر گردید. حقیقت این امر و فرود ملائکه و جبرئیل بر رسول خدا (ص) مکشوف و روشن نیست. اما آنچه مسلم است، رسالت خدا (ص) قبل از چهل‌سالگی به‌صورت خواب‌های روشن، واضح و رؤیای صادقه بود و آرام‌آرام به‌جای رسید که فرشته وحی را مشاهده کرد. در هنگام فرود فرشته وحی هم حالتی به حضرت دست می‌داد که درباره نشانه‌های آن مطالبی نقل‌شده است. این‌ها مراحلی است که حضرت طی کردند.

# احترام قائل شدن جبرئیل برای رسول خدا (ص)

در حدیث شریفی، نحوه فرود آمدن جبرئیل را بر رسول خدا (ص) نقل می‌کند.

در این حدیث، امام صادق (ع) می‌فرماید: «**کَانَ جَبْرَئِیلُ اِذَا اَتَی النَّبِی قَعَدَ بَیْنَ یَدَیْهِ قَعْدَ کَلعَبد[[5]](#footnote-5)**»، جبرئیل هنگامی‌که بر رسول خدا (ص) نازل شد، جلوی او می‌نشست همانند یک بنده در برابر آقای خودش. این اندازه جبرئیل، برترین ملک الهی در برابر رسول خدا (ص) متواضع بود.

جبرئیل هرگز وارد خانه او نمی‌شد، مگر این‌که از او اذن بگیرد. این مقام والای خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) بود. بر ماست که این مقام را بشناسیم و بدانیم که سعادت دنیا و آخرت ما در بعثت رسول خدا (ص) و ولایت عصمت او که استمرار بعثت است، نهفته است.

در پایان عرایض، چند بیت شعری از مرحوم علامه اصفهانی (کمپانی)، که از مراجع بزرگ تقلید در نجف بوده‌اند و استاد بسیاری از مراجع بودند. ضمناً شاعر زبردستی بودند و دیوان شعر فارسی و عربی دارند و اشعار بسیار پر مضمون، عرفانی و فلسفی از ایشان نقل‌شده است، درباره بعثت رسول اکرم (ص)، می‌خوانم.

صبح سعادت دمید، یاد صبوحی بخیر - صومعه بر بادرفت، دور بیفتاد دیر

یار غیور است و نیست نام و نشانی زغیر - دم مزنید از مسیح عذر بخواه از عزیر

خواجه عالم نهاد تاج رسالت بسر - عرصه گیتی گرفت از قدمش زیب و فر

وادی بطحای عشق بارقه طور شد - سینه سینای عشق‌باز پرنور از نور شد

یا سر سودای عشق‌باز پر از شور شد - یا که زصهبای عشق عاقله مخمور شد

روضه تعزید را لاله احمر رسید - گلشن امید را نخل شکربر رسید

شاهد زیبای عشق شمع دل‌افروز شد - طور تجلای عشق‌باز جهان سوز شد

لعل گهرزای عشق معرفت آموز شد - در دل دانای عشق هر چه شد امروز شد

«**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَینَاک الْکوْثَر فَصَلِّ لِرَبِّک وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَک هُوَ الْأَبْتَرُ**»**[[6]](#footnote-6)**

# خطبه دوّم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «**یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[7]](#footnote-7)**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

بار دیگر همه شما خواهران و برادران ارجمند و خودم را در این عید بزرگ و روز عزیز و گرامی به توجه به خداوند، تذکر نعمت‌های او و شکر آن‌ها، اطاعت از دستورات الهی، اجتناب از گناهان و اصلاح نفس سفارش و دعوت می‌کنم.

امیدواریم به برکت این روزهای عزیز و روزهای که در پیشرو داریم، خداوند به همه ما توفیق اصلاح نفس، تهذیب اخلاق و عمل به وظایف عنایت بفرماید.

عید بزرگ مبعث که هم‌زمان با جمعه شده است، تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. امیدواریم که این روز و روزهای آینده بر امت اسلام، مایه خیروبرکت باشد.

# توجه به ماه شعبان و مناجات شعبانیه

هم‌چنین روزهای بسیار عزیز و ماه بسیار گرامی شعبان را در پیش داریم که در این ماه، نیز اعیاد بسیار بزرگی قرار دارد که آن را نیز تبریک عرض می‌کنم. بار دیگر برای خودم و شما، یادآور می‌شوم ارزش این ماه‌ها و قداست روزهایی که در پیش داریم و به‌خصوص ماه مبارک شعبان، مناجات شعبانیه و زمینه‌هایی که باید در این ماه برای آمادگی ورود در ضیافت‌اللّه محقق شود. خواهران و برادران را توصیه می‌کنم که خود را در ماه شعبان با مناجات شعبانیه که مناجاتی انسان‌ساز و تحول‌آفرین در روح و روان بشر است، انس و عادت دهند و خود را آماده دریافت فیوضاتی کنیم که خداوند در این ماه‌ها و ماه مبارک رمضان مقرّر فرموده است. امیدواریم خداوند عنایاتش را متوجه همه ما بفرماید.

# هفته بسیج

این هفته، هفته بسیج است که این مناسبت را خدمت بسیجیان گرامی، امت حزب‌الله و مردم حاضر درصحنه و بزرگوار، تبریک عرض می‌نمایم. هفته بسیج، یادآور پیام امام (ره) و بنیان‌گذاری این شجره طیبه و یادآور خاطرات، یک‌نهاد مردمی و خودجوش است که در این کشور جنگ را اداره کرد. درخطرها و مهلکه‌ها نیز همواره پیشتاز بوده است.

# شهادت آیت اللّه مدرّس

هفته آینده روز دهم آذر، روز شهادت آیت اللّه مدرّس است که یاد و خاطره این مجاهد بزرگ و مبارز درراه خدا را گرامی می‌داریم. آیت اللّه مدرس در ۱۰ آذر ۱۳۱۶ که در ماه مبارک رمضان بود و در حال روزه در تبعیدگاه رضاخان به شهادت رسیدند. آیت اللّه مدرس، عالم و مجاهدی کم‌نظیر بوده است. کسانی که از تاریخ مطلع هستند، معتقدند که مرحوم مدرس با امام (ره) شباهت‌های زیادی داشته است. کیاست، درایت، فهم و شعور بالای سیاسی شهید مدرّس، نظیر امام (ره) بوده است. درحالی‌که علما و مجاهدین بسیاری داشته‌ایم اما درجه شعور، درایت، کیاست و فهم سیاسی متفاوتی داشته‌اند و شهید مدرس از معدود رهبرانی دینی و عالمان پاکی بوده است که مطلقاً امکان نداشت فریب بخورد و به‌طور کامل بر همه زوایای سیاست داخلی و بین‌المللی در زمان خودش آشنا بوده است. رضاخان زورگو که انگلیس او را پشتیبانی می‌کرد، در برابر فهم، درک، مقاومت و مجاهدت شهید مدرس، بی‌تاب شده بود و آن‌هم در روزگاری، خطرناک که از هر سو توطئه برای این‌که آثار اسلامیّت و دین را از این کشور محو کند. در زمان شهید مدرس زندگی می‌کرد که سیاست انگلیس این بود که ایران و جاهای دیگر نظیر ترکیه را اسلام زدایی کند. حتی شعائر ظاهری دینی را نیز محو کند. چنین سیاست خطرناک، پیچیده در زمان رضاخان اجرا می‌شد. رضاخان یک فرد جاهل زورگویی بود که خود او نیز از ابعاد گسترده سیاستی که او را هدایت می‌کرد، مطلع نبود اما درواقع سیاست بسیار خطرناکی بود. کشور را به‌طرف اسلام زدایی محض می‌برد، استقلال و عظمت دینی و معنوی این ملّت را به‌تمام‌معنا می‌خواستند بگیرند و چنین عصر خطرناک، پر توطئه و درزمانی که انگلیس حاکمیت داشت، آن زمان بود. آن زمان ‌همانند امروز نبود که ملت‌ها، به بیداری و هوشیاری رسیده‌اند. بسیار مطلع و ناآگاه بودند و از پیچ‌وخم‌های سیاست سر درنمی‌آورند، در چنین عصری رضاخان قصد داشت برنامه‌اش را اجرا کند. در کشور در آن زمان افراد معدودی از علمای دین، ایستادگی کردند که در رأس آن‌ها شهید مدرس بودند.

# تلاش‌های آیت اللّه حائری و شهید مدرس در دوران رضاخان

البته مرحوم آیت اللّه حائری به شیوه دیگری و باحال تقیّه در قم، حوزه را بست و شهید مدرس به‌صورت واضح و علنی در برابر رضاخان ایستادند.

به اعتقاد بنده، مرحوم آیت اللّه حائری که افتخار این استان و منطقه است، یکروی سکه بود و روی دیگر سکه روحانیت، علمای دین و مردم متدین، شهید مدرس بودند. مرحوم آیت اللّه حائری، با تقیّه و سیاستی دقیق، حوزه را پایه‌ریزی کرد و کیان دین و مذهب را حفظ کرد. شهید آیت اللّه مدرّس نیز با شجاعت بی‌نظیرش در مبارزه با رضاخان و انگلیس بود. این دو شخصیت بزرگ، مکمّل یکدیگر بودند. سادگی، صفا، سیاست، درایت، بی‌پیرایگی، فهم دقیق شهید مدرس و مقاومت جانانه او در برابر رضاخان و سیاست‌های انگلیس و روسیه در آن زمان، دشمنان را عاجز کرده بود. این نشانه عجز آن‌ها بود که انسانی متشخص و مورداحترام جامعه را مجبور شدند تبعید کنند و در ماه مبارک رمضان باحال روزه ایشان را به شهادت رساندند.

یاد و خاطره همه بزرگان و مجاهدان درراه خدا و این عالم عظیم‌الشأن را گرامی می‌داریم، امیدواریم روح پاک او با ارواح اولیای الهی و اجداد طاهرینش مشهور گردد.

# تلاش‌های فراوان برای برپایی نظام و انقلاب اسلامی‌مان

نکته آخر هم در تکمیل آنچه در راهپیمایی باشکوه بسیجیان عرض کردم، در مورد حوادث اخیر و سخنرانی که مقام معظم رهبری درباره آن داشتند، چند نکته‌ای توضیح و اضافه خواهم کرد، به‌عنوان وظیفه‌ای که همه ما داریم.

اگر کسی تاریخ کشورمان را ببیند، ملاحظه می‌کند که این انقلاب، نظام اسلامی و حاکمیت دینی با چه قیمت و بهای گرانی به‌دست‌آمده است، احساس دیگری برای حفظ انقلاب و این کشور الهی و اسلامی می‌کند.

کتابی درباره خاطرات آیت اللّه فلسفی مطالعه می‌کردم که کتاب ارزشمندی است. در این کتاب مشاهده می‌کردم که مرحوم آیت‌الله بروجردی، مرجع یگانه شیعه با آن اقتدار و عظمت، وقتی در شرایطی بودند برای این‌که مبارزه‌ای با بهاییان شود، زحمت‌های فراوانی می‌کشیدند. برای این‌که درجایی مسجدی را بی‌جهت خراب نکنند، خون‌دل‌های زیادی می‌خوردند، برای این‌که، یک محل شراب‌فروشی تعطیل گردد، زحمات زیادی می‌کشیدند، بعد هم مرحوم فلسفی و دیگران دخالت می‌کردند. و تلاش می‌کردند شعائر دین تحکیم شود.

حال در نظر بگیریم که نظامی اسلامی به وجود آمده است، نظامی که تمام آن بر پایه اسلام و مبانی شیعه برقرارشده است. مبانی که در عالم پر ظلم و ستم امروزی، یگانه نظام درست بر اساس مبانی شیعه است و مملکت شیعه می‌باشد که امروز به‌دست‌آمده است. بسیار در این نظام اسلامی برای تحکیم مبانی دینی، اقامه نماز، استقلال کشور، مبارزه با آفت و مفاسد، تمام مراجع به میدان می‌آمدند و در پایان ‌هم آیت اللّه بروجردی قانع نبودند، ایشان درنهایت حالشان خراب شد از آن‌همه بی‌اعتنایی‌ها که شاه می‌کرد، بهایی‌ها را بر تمام مقدرات این کشور مسلط کرده بودند، دربار، استانداری‌ها، مراکز سیاسی و اجتماعی کشور، همه‌جا مورد تاخت‌وتاز بهاییان شده بود. سیاست‌های خارجی همه مقدرات ما را در دست خود گرفته بودند، ارتش، نظام اقتصادی، شریان نفت، ناموس و دین ما، همه به تاراج رفته بود. همه مراجع هم اگر حضور پیدا می‌کردند کار زیادی پیش نمی‌بردند. در این وضعیت همت مردم، عظمت امام (ره) و لطف خداوند این کشور شیعه را نجات داد.

کسانی که قصد دارند ارکان این نظام را تضعیف کنند مگر تاریخ را متوجه نمی‌شوند که با چه بهای سنگینی این انقلاب و نظام به‌دست‌آمده است و این کشور استقلال پیداکرده است. زمانی بود که در این کشور، دانشگاه، حوزه، اقتصاد، ارتش، مراکز سیاسی و اجتماعی ما در دست دشمن بود. در این وضعیت، مردم با عرق دینی، دادن شهدا، کمال شهامت و پیروی از امام (ره) آمدند و این معجزه بزرگ قرن محقق شد، این کار ساده‌ای نبود.

# اصل توجه به‌نظام و انقلاب اسلامی‌مان

امروز هر انتقادی که به اقتصاد، سیاست و... وارد شود آزاد است و بعد هم‌رأی مردم است که تمام ارکان نظام را شکل می‌دهد. افتخار کشور هم این است که با آرای مردم این نظام شکل می‌گیرد. اما این نظام، نظامی اسلامی است، برای اسلامیّت این نظام، خود مردم تلاش کردند و امروزه هم درصحنه هستند. اگر تاریخ را ببینیم، ملاحظه می‌کنیم که اگر می‌خواستند یک شراب‌فروشی را ببندند، تمام روحانیت و متدین ما قدرتی نداشتند. امروز یک نظام اسلامی داریم. اصل ولایت‌فقیه یعنی محوری که بحث شخص نیست بلکه بحث این است که مشروعیت یک نظام اسلامی به این است که یک فقیه عادل، مدیر، مدبّر که بر آرای خبرگان مردم متکی است، مورد تائید ملّت است، چنین فردی باید نظام را اداره کند. اصل ولایت‌فقیه، یک اصلی است که جای هیچ تردیدی در آن نیست. حال ممکن است فقها درباره آن کمی اختلاف داشته باشند. عمده فقهای ما بر این اصل معتقدند که حکومت بایستی به خدا متکی باشد و به خدا برسد و حق دخالت در امور فقیه عادل را کسی ندارد. امکان ندارد نظامی بدون اتکا به یک فهم دینی، آگاهانه و هوشیارانه باقی بماند.

انتخاب شخص مقام معظم رهبری، در دست کسی نیست که به اراده خودش هر طور بخواهد عمل کند. شخصیتی که آن سوابق درخشان را دارد و آن‌گونه مورداحترام امام (ره) بوده است، کسی که در همه عرصه‌ها پیشتاز بوده است، چنین کسی که در هنگام انتخاب برای رهبری در مجلس خبرگان، گریه کردند که نمی‌خواهند، به رهبری نائل شوند و این مسئولیت سنگین را بپذیرند. سپس ایشان اصرار کردند که اگر قرار است بنده هم حضورداشته باشم، شورای درست کنید که من هم باشم. ولی رأی ملت، رأی خبرگان ملت به پیروی از تشخیص امام (ره) بر این شد که این مجتهد عادل، خودساخته و مجاهد در میدان‌های جنگ را به‌عنوان رهبری انتخاب کنند. این چیزی است که ازنظر مشروعیت الهی، متصل به ولایت ائمه و امام زمان (عج) است و تردیدی در آن نیست. اشکال یا انتقاد از نظام، آزاد است و هیچ مشکلی نیست که بگویند در سیاست‌های نظام اشکال است و نظام هم از آن استقبال می‌کند. ولی اگر کسی بخواهد توطئه سیاسی کند و افراد ورشکست سیاسی، عقده‌ای و بی مبنا بخواهند این رکن بزرگ نظام و چنین شخصیت متکی به آراء و افکار جامعه را موردتهاجم قرار دهند، این خیانتی است که قابل‌بخشش نیست.

امروز اگر مقام معظم رهبری، ولایت‌فقیه، حضور و هوشیاری مردم درصحنه از این کشور گرفته شود، آن زمان دشمن، باعث نابودی دین، مذهب و استقلالمان می‌شود.

مقام معظم رهبری تأکید کردند که شخصاً هیچ گلایه‌ای ندارند که این بزرگواری ایشان است و بعد هم تأکید کردند که دشمن را اشتباه نگیرید، پشت سر هم جریان‌های ساده‌لوحانه و مرموزانه‌ای که در حوزه و دانشگاه ممکن وجود داشته باشد، دست‌های دیگری در کار است. این ساده نیست که نظامی مردمی که مردمی‌ترین نظام است و همه‌جای آن بر اساس آراء و استقبال مردم، مبتنی است و دین و کیان ملی و دینی این مردم به آن متکی است را همانند یک اسباب‌بازی فرض گیریم. پیشنهاد، راه‌حل، انتقاد اگر درست باشد، بایستی ابراز شود و بر روی آن بررسی می‌شود. ملت ما، دارای سیاست، اقتصاد، مجلس، رئیس‌جمهور و دولت است و دارای مجاری قانونی است و متصل به آرای مردم است. این‌که کسی بخواهد تحریک کند و توطئه سیاسی کند، ناکام می‌ماند و مردم هم به‌خوبی خود را در اینجا نشان داده‌اند.

دشمنان متوجه شدند که این‌طور نیست که فکر می‌کنند و بتوانند هر کاری که می‌خواهند بکنند. از قوه مجریه و رئیس‌جمهور تا دولت، مراکز صاحب مسئولیت، مراجع معظم، حوزه قوی، هوشیار و بیدار قم تا دانشگاه‌های هوشیارمان و عموم ملت، وقتی‌که فهمیدند این سرمایه گران‌بها و دستاورد عظیم تاریخی این ملت، مورد توطئه سیاسی قرارگرفته است، از نظام، ولایت‌فقیه و ارکان نظام خودشان دفاع می‌کنند و به یاری خداوند با حضور خودشان ‌همه توطئه‌ها خنثی می‌شود و ان‌شاءالله این کشور راه خیر، ترقی و سعادت را طی می‌کند.

# دعا

خدایا این ملت و کشور را از همه خطرات محافظت بفرما و...

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. . سوره اعراف، آیه ۴۳ [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران، آیه 102 [↑](#footnote-ref-2)
3. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۱۷۹ [↑](#footnote-ref-3)
4. شعراء، آیه ۲۱۴ [↑](#footnote-ref-4)
5. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۵۶ [↑](#footnote-ref-5)
6. کوثر، آیه ۱ الی ۳ [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-7)